

تصویری از اوضاع کنونی ایران

“پایان تاریخ” چهل سال بربریت و بن بست نظام

امین بیات

مردمان ایران ما با معضل بیکاری، گرانی، گرسنگی، کمبود دارو و امکانات پزشکی، نبود آزادی، وفور ترور و خفقان، کشتار جوانان در خیابان دستگیری زندان و شکنجه، کمبود مدیریت کارآمد، دخالت در امور زندگی همسایگان و تروریسم بین المللی و داخلی مواجه میباشد.



میلیونها انسان گرفتار در زندان بزرگی چون ایران دچار مرگ زود رس، عوارض بیماریهای قابل پیشگیری، آلودگی محیط زیست، انواع تبعیضات، شکاف عمیق فیمابین ثروتمندان و تهیدستان، سرنگونی هواپیما و کشتار دسته جمعی مسافران و... هر روز بر همه گان اثراتش آشکارتر، میشود.

و از طرفی مسابقه تسلیحاتی امپریالیستی در جهان و بخصوص آزمایش جنگ افزارهای مرگبار در خاور میانه، ایران و تداوم شروع جنگ و تهدیدهای مداوم متقابل، زرادخانه های هسته ای و تبلیغ آنها در جهت برپائی و ساخت مراکز هسته ای در کشورهای رشد نیافته و عقب نگهداشته شده، با مصرف میلیاردها پول از ثروت ملی، مردمان کشورهای دور و نزدیک و از جمله ایران را در جهت مسابقات تسلیحاتی هسته ای میکشانند.

مردمان بسیاری دربخش زیادی از کشورهای آسیائی، آفریقائی وایرانی را در معرض قحطی قرار داده اند، شتاب روز افزون مهاجرت به کشورهای اروپائی فزونی یافته، رکود اقتصادی در ایران فاجعه آمیز است.

البته که در اغلب کشورهای سرمایه داری هم بحران وجود دارد، اما به جهت دارا بودن از سیستم تامین خدمات اجتماعی، رغم بیکاران کنترل شده است، با این وجود گرایشات نژاد پرستی، راست افراطی و نئوفاشیستی در حال گسترش و نشانه های بارز آن در انتخاباتهای گوناگون در کشورهای مختلف با افزایش رای گرایشات راست را میتوان مشاهده، نمود، و درایران تنها خودیها

آنهم با شیوه فاشیستی مصدر کارند و انتخاباتها در ایران تا کنون آزاد نبوده و خودیها بمجلس راه یافته اند و در مصدر کارند.

و همچنین در سالهای گذشته در اروپا و در کشورهای آسیائی ، عربی، آفریقائی و ایران شاهد حضور میلیونها زن و مرد در اعتراض به سیستم های سرمایه داری و عملکردشان و همچنین علیه جنگ و مخالفت با سلاحهای هسته ای، متحدان در دفاع از محیط زیست، علیه بیکاری ، قحطی، تبعیض و... میباشیم.

یکی از مهمترین راه برون رفت از بحرانها در ایران ، راهی که مردمان کشورما را در راه رهایی اجتماعی و تحقق آرمانهای حقوق بشر، حقوق اجتماعی میسر میسازد ، و آنها را به تامین خدمات بهداشتی، آموزشی ، مسکن، کار، سلامت زندگی نزدیکتر میکند، همانا اتحاد و همبستگی و همکاری اقشار تهیدست جامعه یعنی طبقه زحمتکش علیه سیستم سرمایه داری عقب مانده و متحجر مذهبی ، میباشد، که سالیان دراز است، ادامه دارد.

آنهائی که در ایران مدعی "اصلاحات" بودند و هستند و بخصوص در سیستم سرمایه داری از نوع اسلامیش ، بزرگترین دشمنان فرزندان این آب و خاک بودند و هستند، که جز توهم پراکنی ، گسترش فقر، بیکاری، گرانی ، و پر کردن جیب خود سالهاست که ارمغانی نداشته اند، موعظه های " اصلاح طلبانه " این طیف عقب مانده نتوانسته جلوی مبارزه اقشار مختلف را بگیرد و می بینیم که با هر اتفاقی در ایران صدای رسای اعتراضات مردم به گوش جهانیان میرسد و حتی با کشتار عمد، نتوانستند جلوی حرکت عمومی مردم را بگیرند ، نمونه اعتراضات بعد از کشتار آبانماه، و زدن آگاهانه هواپیمای مسافر بری و کشتن 176 نفر.

کسانیکه وعده ونوید بمردم میدهند که در ایران سیستم سرمایه داری مذهبی "صلح آمیز" کمک به رفع بیکاری، افزایش دستمزد کارگران ومزد بگیران وبهبود محیط زیست و رفع تبعیضات و...خواهد کرد، مزدوران سرمایه اند و از خون زحمتکشان تغذیه میکنند، و جوهر اصلی و عملکرد ضد انسانی سرمایه را از مردم مخفی نگه میدارند، و به تحمیل هر چه بیشتر استثمار بر توده های زحمتکش جهان و بخصوص مردمان "جهان سوم" مانند کشور ما ایران، میباشند.

بیکاری وفقر امروز در ایران معضل اصلی ، فارغ التحصیلان ، کارگران بیکار ، زنان است که با کابوس وحشتناک آن خواب خوش را از

چشمان جوانان ربوده و سینه درمقابل گلوله سپر میکنند ، عاملین بیخبر سرمایه آنهم تحت پوشش ایدئولوژی ارتجاعی مذهبی به آن دامن میزنند، غافل ازاینکه نخواهند توانست حتی با کشتار و قتل عمد جلوی ارتش بیکاران و گرسنگان را بگیرند.

بنظر من اقتصاد سرمایه داری جهانی نمیتواند از دو مسئله ی اصلی یعنی بحران اشباع تولیدات و تورم افسار گسیخته، به بحرانهای گریبانگیرش خاتمه دهد، و برای رسیدن و گذرازان بحرانها بدنبال شروع جنگ و مصرف تولیدات جنگی در خاور میانه و ایران، میباشد و جزیره آرامش را نا امن خواهند کرد.

مطامع سرمایه داری بیشتر در خدمت اهداف ضد بشریش، جهت بالا بردن سود است که با گسترش تکنولوژی مدرن کمک به تخریب و کشاندن جوامع حتی مردم را به نتایج غیر قابل باور و بخصوص در جوامعی مانند ایران رسانده است.

مردمان کشور ما با مبارزه مشترک خود برای دستیابی به حقوق بشر در ایران باید جنبشهای کارگری را علیه بورژوازی سازماندهی کنند تا توازن قوا در کشور ایجاد گردد و مردم به آگاهی طبقاتی دست یابند و به آن عمل کنند، جنبشهای معترض کارگری در شهر های مختلف ایران در هفت تپه ، اراک، تهران و... ادامه دارد.

امروزه گرایش حاکم بر سرمایه داری هر چه بیشتر بسوی جهانی شدن در نوسان است و وعده های دروغین تامین آب، نان، مسکن، آزادی به مردمان جهان میدهد و در این رهگذر به پشتیبانی دولتهای وابسته بخود همت میگمارد و از عملکرد وحشیانه ، تبعیض آمیز این دولتها بنفع مطامع خود استفاده میکنند، رژیم در حوادث سیل و زلزله نشان داد که کاری نمیتوانند، بکنند.

اکثریت مردمان جهان درکشور های عقب مانده زندگی میکنند، و باسقوط فاجعه آمیز سطح زندگی ، فقر مطلق، قدرت خرید مزد بگیران را به 70% کاهش داده است و درایران ما بطور تقریبی نیروهای بالقوه بیکارند و ثروت اندوزی در اختیار در صد کمی از وابسته گان به رژیم اسلامی قرار دارد و آنرا به مصرف خودیها میسرانند و اکثریت مردمان جامعه را آگاهانه از همه امکانات اجتماعی محروم نگهداشته اند تا بمرور زمان نابود، شوند.

امروز ما شاهد تخریب محیط زیست در ایران هستیم ، ایران تبدیل شده به مخفی گاههای زباله های اتمی و فضولات خطرناک کشورهای

سرمایه داری، تخریب جنگلها و تبدیل به بیابانهای خشک که در معرض خطر سیل و خرابی قرارگرفت اند، پیامد اینگونه اعمال همانا تخریب محیط زیست و بیشتر بوقوع فجایع اکولوژیکی در کشور ما اتفاق خواهد افتاد که دامن به عقب ماندگی بیشتر در خدمت اهداف سرمایه داری جهانی خواهد بود، در حقیقت وابستگی به عقب ماندگی هر چه بیشتر گلوی زحمتکشان ایران را خواهد فشرد.

اگر کارگران و زحمتکشان، محرومین جامعه، حاشیه نشینان شهری، زنان، بیکاران، دانشجویان، به شرایط غیر قابل تحمل زندگیشان از خود مقاومت مشترک معترضانه نشان ندهند که میدهند، حکومتهای سرمایه داری و بخصوص حکومت ارتجاعی جمهوری اسلامی خود بخود عقب نشینی و سرنگون خواهد شد، باید تهیدستان به زور قدرت را از ارتجاعی ترین قشر جامعه که قدرت دولتی مذهبی است راباز پس بستانند و گسترده ترین دموکراسی را برای وسیعترین اقشار جامعه ایرانی در ایران آینده، پیاده کنند.

بحران عمیق اخلاقی و محیط زیستی در جمهوری اسلامی به اوج خود رسیده است، رشد نا برابری، فساد عمیق اخلاقی، تهدید حقوق بحق زنان، اعمال خفکان در جامعه، تهدید علوم انسانی و ادبیات و خلاقیت های ادبی و هنری، اختناق مداوم از جمله جنایاتی است که جمهوری اسلامی ایران بر جامعه تحمیل کرده است.

مخالفین سیاسی، روشنفکران متعهد جامعه، طبقه زحمتکش شدیداً مورد آماج حملات غیر انسانی دست اندر کاران حکومت اسلامی ایران مانند کشتار آبانماه شده اند و شدیداً سرکوب، دستگیر، شکنجه و مخفیانه آنها را قتل عام کرده اند، در مقابل اینگونه توحش و آدم کشی بکدام موسسه بین المللی پناه برد؟ بنظر من فقط در ایران باید در پناه هم بود.

درس آموزی از انقلابهای جهان مانند قیام 1953 در آلمان شرقی، قیام 1956 و 80 - 1981 کارگران لهستان، انقلاب 1956 مجارستان، 69 - 1968 بهار پراگ، و هر آنچه رژیم جمهوری اسلامی در جهت احیای سرمایه داری و قبول اهداف دیکته شده توسط سرمایه داری پیش رود بهمان اندازه باید مقاومت فعال توده ای جوانان بیکار، کارگران بیکار، زنان بیکار، کشاورزان فقیر و... افزوده گردد، جهت قرار گرفتن درمقابل بحران اقتصادی در ایران باید جمعی و آگاهانه، الویتها و نحوه تحقق خواستها را، و اداره دموکراتیک اقتصاد در مقابل قوانین بازار جهانی اعمال کرد

و با درس آموزی از تجارب گذشته با تصحيح مواضع شکست خورده و نا موفق ، البته تاريخ شاهد اين است که هيچ مبارزه اي خطا ناپذيري و اشتباهات در آن اجتناب ناپذير است.

سرمايه داران در کشورهاي امپرياليستي مي پندارند که کارگران هم رديف ساير شهروندان هستند، اين ادعا اما با واقعيت چندان دور نيست ، يکي از دلايل اين مهم اين است که شهروندان به آگاهي طبقاتي نسبتا زيادي دست يافته اند و در اين کشورها از حد اقل مزايای زندگي يعنی کار - آب - نان و مسکن و سندیکا ، آزادي و... برخوردارند، و در اثر مبارزات خستگي ناپذير طبقه ي کارگران کشورها بدست آمده است، اما از اين غافل نبايد شد که اکثريت کارگران کارخانجات کشورهاي متروپل سرمايه داري شهروندان کشورهاي ديگر مانند ترکيه، بلوک شرق، کشورهاي عربي ، ايراني و... هستند که نان بخورو نمير ميگيرند، اندوخته اين کارگران هيچگاه نمیتواند به ميزاني برسد که براي ادامه زندگي ديگرنيازي به کار کردن نداشته باشند، کارگران در روند توليد تحت کنترل و نظارت دائمي هستند، تنها هدف سرمايه داران توليد مداوم شبانه روزي است، و کارگران ايران متحد با کارگران جهان بايد قرار بگيرند.

اما وظيفه نيروهاي آگاه اين است که نبايد با معيارهاي از پيش تعيين شده قدم بر دارند ، نيروهاي مترقي بايد با اتخاذ و ابتکارات سياسي، عملي و تئوريک به زنده بودن و فعال بودن آن و در يک صف مشترک قرار گرفتن در مقابل نظام سرمايه داري بايستند و از مبارزات و تجربه کارگران جهان استفاده کنند.

ياد آوري جنايات بورژوازي هميشه بايد در دستور کار روز قرار بگيرد، سرکوبهاي جنبش همبستگي در لهستان ، جنايات پل پت در کامبوج ، کشتار و حمله به افغانستان توسط شوروي ، سرکوب دانشجويان در ميدان " تين آن مين"چين، کشتار درسوريه، حمله به عراق ، حمله به لبنان، حمله به فلسطين و بالاخره کشتار 67-88 - 96 و آبانماه 98 در ايران ، شرم بشريت است.

جامعه مصرفي و خصوصي کردن ايران:

ايران و بخصوص پس از انقلاب 57 بیک جامعه ي مصرفي تبديل شده است، کالاهای وارداتی با پول فروش نفت به ايران توسط طبقه حاکمه يا اقشار بالای جامعه ، آخوند با عمامه يا آخوند کراواتی

، تنها عامل مصرفی کالا های وارداتی امپریالیستی شدند و ثروتهای بیکران به جیب زدند، با گرفتن وامهای چند صد میلیاردی از بانکها و پرداخت نکردن آنها ، بانکها را عملاً ورشکسته کردند و رونق اقتصادی وابسته را نیز به کمترین شرایط خود کشاندند، و با سیاستگزاری های نابخردانه و مذهب گرایانه ی خود ، مردم را گرفتار تحریم کمر شکن اقتصادی کردند که رهائی از آن غیر ممکن گشته ، با نظم موجود در ایران و آن میزان حد اقل رفاه برای طبقات مختلف که در حال فروپاشی و به اضمحلال خود رسیده است، بسادگی میتوان پیش بینی کرد که اگر تحریم ها ادامه یابند که ادامه خواهند یافت و نفت فروخته نشود، دولت قادر نخواهد شد حقوقها را پرداخت کند و با امکانات کنونی حتی مسئله حد اقل موادغذائی را تامین کند، امروزه در ایران کالاهای مصرفی مواد غذائی در بدترین شرایط از لحاظ استانداردهای بین المللی قرار دارند و دارای کیفیت حتی سالم هم نیستند و آلوده به مواد مضر شیمیائی هستند، و علاوه بر این خصوصی کردن فزاینده مواد مصرفی مردم را از برقراری مناسبات اولیه انسانی محروم کرده است.

این همه موانع، در کل جامعه کمک به افسردگی در سطح بالائی کرده است و برای غلبه بر آنها باید استراتژی مشخصی تدوین شود.

سقوط فرهنگ و اخلاق در ایران:

خطر ناکثرین پیامد خصوصی سازی ، خصوصی شدن انسانها در ایران است، که همراه با سقوط همه جانبه اخلاق، شیوه تفکر، سقوط فرهنگی به ارث رسیده ، مردم شده است.

مردمان ایران طی چهل سال با قبول ئیدئولوژی حاکمیت یعنی دولت مذهبی وقوانین ارتجاعی آن و رواج روز افزون خرافات ، فساد اخلاقی، دروغ و دزدی رادر سطح عمومی نهادینه کرده اند، و با خصوصی کردن انسان که از "جامعه مصرفی" پدید می آید ، فروپاشی شروع شده ، و ارتش گرسنگان و بیکاران در حال پیوستن بهم و در تلاش برای زندگی بهترند، راه چاره را گذراز تمامیت جمهوری اسلامی ایران ارزیابی میکنند، ودانشگاهها دراعتراض بسر میبرند.

سرنوشت تشکلهای کارگری در سرتاسر ایران که تحت حاکمیت ضد کارگری هستند بسیار غم انگیز است، در ایران تشدید تضادهای اجتماعی گریبان رژیم سرمایه داری مذهبی عقب مانده ی ضد انسان ایرانی را، گرفته است، و بهیچ وجه ازجنايات مرتكب شده دولت مذهبی ترس و

واهمه ای ندارند و به این دلیل دولت مذهبی انسان کش ایران در میان کارگران بخصوص و سایر اقشار جامعه کاملاً بی اعتبار و شکننده بطور واقعی شده اند و هنوز این دولت مذهبی ارتجاعی بخود نیامده و می پندارد که با گرایشات نئیدئولوژی مذهبی عقب مانده، واپسگرایانه خود، میتواند خلاء اخلاقی دولتیان و کمبودها را پرکند.

با روانه کردن گرایشات مذهبی درون اعماق جامعه، نظیر تبلیغ خرافات، تحجر، ستایش خشونت و تبلیغ آن، نفع و سرکوب اشکار حقوق شهروندان ایرانی، مخالفت با برابری مردان و زنان، دامن زدن به عملکردهای نژاد پرستی، تنفر اکثریت مطلق مردمان ایران را نسبت بخود را برانگیخته است، آخرین نمونه ی آن سرنگون کردن آگاهانه و عمدی هواپیمای مسافربری بود، که سه روز به قلب واقعییت و دروغ پراکنی پرداختند و عاقبت در برابر اسناد معتبر بین المللی که روی میز سران آدم کش سپاه قرار داده شد که ببیند این هواپیما با موشک شما زده شده است، و آنها را مجبور به اقرارکردند، یعنی برای به انحراف کشاندن پرتاب راکت‌های خود به عراق با توافق آمریکا در بی خطر بودن آنها و برای حفظ آبروی نداشته اش از جان 176 نفر انسان بیگناه مایه گذاشتند، و این همان "افول فرهنگی" و سقوط اخلاقی که چهل سال نفی واقعیتهای و پایمال کردن حقوق شهروندان ایرانی بوده است، حتی خانواده ی کشته شدگان را مجبوره ممنوعیت مراسم خانوادگی کرده اند اما برای تروریستی آدم کش هزاران نفر را سه روز از این شهر به آن شهر با بوق و کرنا کشاندن و جان‌سدها فر را گرفتند، که مثلاً به جهانیان برسانند ما هنوز طرفدار داریم.

چرا باید از قید و بند رژیم سرمایه داری و در یک کلام از جمهوری اسلامی ایران عبور کرد:

راه حل غلبه بر بحرانها در ایران جدا از بحرانهای جهانی نیست، و در گرو مبارزه علیه اقتصاد وابسته، مالکیت خصوصی بر ابزار تولید با هدف کسب سود، و رفع استثمار، و درآوردن علم و صنعت در خدمت نیازهای انسانی است، که قابل کنترل هم میباشد تا بتواند در کل جامعه توان فکری آزاد گردد و با یک مدیریت جمعی با برنامه و گسترش آن به کل جامعه قابل تصور است، برای ارتقای کیفیت زندگی عامه مردم ایران، و زنده ماندن، بدون از میان برداشتن حاکمیت ارتجاع مذهبی در ایران هیچ مبارزه جدی ای در جهت از میان برداشتن کلیه خطراتی که محیط زیست طبیعی در ایران

را تهدید میکند میسر نیست، تصمیم گیریهای محوری و تکنیک های تولیدی باید از دست شرکت های خصوصی خارج شود و بعهدہ گروههای اجتماعی قرار داده شوند که قابل کنترل باشند، برای مردمان ایران مهمترین حرکت توده ای که مانع بر سر راه مداخله امپریالیسم در امورداخلی ایجاد کنند، یک پیشرفت غیر قابل انکاراست، برای مردمی که ار هستی ساقط شده اند ، اقتصاد ویران، و قادر به تضمین رشد سریع سطح حد اقل ممکن و شایسته نیستند، زنان و مردان قادر به رسیدن به آزادی و حق انتخاب هستند و میتوانند و باید نا برابریهای ناشی از استثمار را درجامعه بزرگ ایران افشاء بیرحمانه کنند، یعنی جلوی خود کامگی دولت مذهبی و تسلط بازار را بگیرند، و توده های مردمی فقط در مقاطع نادری در زندگیشان بصورت معترض واقعی وارد کارزار مبارزه میشوند و آن زمانی است که متوجه میشوند زندگیشان در شرایط غیرانسانی و غیر قابل تحمل رسیده است و مردم ایران این دوران را میگذرانند، درایران فصل تاریخی تازه ای ورق خورده و پی آمد های این مبارزه، فروپاشی سیستم ترور و خفقان و انسان کشاش عامدانه خواهد بود و انحلال کلیه نیروهای سرکوبگر رژیم اسلامی را در پی خواهد داشت، هدف ما اتحاد در عمل در کلیه زمیته های مبارزه علیه کلیت سیستم موجود درایران است، و به " حکم وجدان" و همچنین تعهد اخلاقی در کنار هم به کلیه تحقیر های چهل ساله پایان میدهم.

01.2020..17 برابر با 26 دیما 98

امین بیات

Bayat.a@freenet.de

<https://www.facebook.com/amin.bayat9>